

حرمت قلم

به قلم استاد محسن غرویان

«قلم» چونان «قلب» است که دائماً خون تولید می‌کند و در شریان‌های آدمیان جاری می‌سازد. جامعه‌ای که در آن «اصحاب قلم» به فکر و اندیشه نپردازند و جانی تازه و دم بدم در کالبدش ندمند، جامعه‌ای است مرده و بی‌تحرك و «کتاب» چونان «نفس ناطقه»ی اجتماع است. جسم خالی از نفس، جسدی بیش نیست، چه این‌که اجتماع خالی از کتاب و «تراوشات قلم» مرده است و بی‌جان!

«قلم»‌ها، مسیر حرکت آدمیان در قوس صعود و نزول را ترسیم می‌کنند و فاصله‌ی مبدأ تا مقصد را در حرکت اشتدادی یا تضعفی جوامع پُر می‌سازند! ایهی «ن، والقلم و ما یسطرون» که از جانب خدای حی داور نازل گشته، پیام عظمت و عزت اهل قلم است. کتاب حیات آدمیان با سطور اصحاب قلم رنگ می‌گیرد و مرقوم می‌شود.

مرکبی که از نوک قلم برسینه‌ی سپید کاغذ می‌چکد، راسم حرکت در راستای «کتاب مسطور» و «رق منشور» است. «کتاب»‌ها چونان آینه‌هایی هستند که در آن‌ها درون عالمان و فرهیختگان را می‌توان دید و از سطر سطر کتاب‌ها می‌توان راهی به سوی نور و حقیقت گشود. کتاب، چونان روزنه‌ای است که آدمی را با افق‌های دور آشنا می‌سازد و دیدگان انسان را به ساخت‌های گوناگون هستی می‌برد. مؤلفان با هرکلمه‌ای که می‌نگارند و با هرسطری که می‌نویسند، پنجره‌ای تازه می‌گشایند و چشم اندازی بدیع و نوین به آدمیان نشان می‌دهند. آن‌چه از حکمت پیشینیان هم اینک در اختیار ماست، بردوش کتاب‌ها حمل شده و در لایه‌لای سطور و اوراق و مکتوبات اصحاب قلم محفوظ مانده است. کتاب ما را بربال قلم می‌نشاند و به جای جای تاریخ می‌برد. گذشته و حال و آینده با قلم به هم پیوند می‌خورند و در صحیفه‌ی مؤلفان و اصحاب کتب است که گذشتگان با ما و آیندگان پیوند برقرار می‌کنند و دست ما را می‌گیرند و تجربیاتشان را به ما ارزانی می‌دارند. شیرهی جان اندیشمندان و فرزندان از نوک قلم‌هایشان جاری می‌شود و در کام مخاطبان و خوانندگان ریخته می‌شود و آنان را جان و جلایی تازه می‌بخشد. نویسندگان وقتی قلم بر کاغذ می‌کشند، گویا اشک می‌ریزند و با آب دیدگان سطور کتاب جان خویش را می‌نگارند. امید که حرمت قلم را پاس داریم و آن را به ناحق برکاغذ ندوانیم!

